

بررسی رابطه مولفه جهت گیری مذهبی با رضایت زناشویی در بین دبیران زن متاهل شهر شیروان

فاطمه نامنی^۱

برات محمد عاشقی^۲

چکیده

هدف این مطالعه مقایسه و بررسی رابطه جهت گیری مذهبی و رضایت زناشویی در بین دبیران متاهل زن بوده است. این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش عبارت است از کلیه دبیران زن مقطع متوسطه دوم شهر شیروان که در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ مشغول به کار بوده اند. حجم نمونه در این پژوهش ۱۶۰ نفر می باشد. روش نمونه گیری به صورت تصادفی ساده می باشد. در این پژوهش به منظور جمع آوری داده ها افراد از دو پرسشنامه جهت گیری مذهبی آلپورت (۱۹۵۰) و رضایت زناشویی انریچ (۱۹۸۹) استفاده شده داده ها با استفاده از روش های آماری همبستگی و t مستقل تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان دادند بین جهت گیری مذهبی و رضایت زناشویی رابطه وجود دارد. نتایج نشان می دهد بین رضایت زناشویی و جهت گیری مذهبی رابطه منفی وجود دارد و با توجه به اینکه افزایش نمره فرد در پرسشنامه جهت گیری مذهبی به معنی کاهش جهت گیری درونی و افزایش جهت گیری بیرونی نسبت به مذهب می باشد می توان پذیرفت که هر چه افراد از جهت گیری مذهبی درونی تری برخوردار باشند میزان رضایت زناشویی آنها بالاتر می باشد و بر این اساس می توان ادعا کرد که مذهب به عنوان یک عامل موثر در رضایت زناشویی می تواند باعث افزایش رضایت زناشویی شود. همچنین هیچ تفاوت معنی داری بین معلمین متاهل زن با مدرک کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد در رضایت زناشویی و جهت گیری مذهبی وجود ندارد. بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم وجود تفاوت گروهی تایید و فرض پژوهشی رد می شود.

واژه گان کلیدی: مدیریت زمان، استرس شغلی، کیفیت زندگی، مدیران مقطع ابتدایی و متوسطه.

۱- دانشجوی دکترای مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی گرگان (نویسنده مسئول)

۲- دانشجوی دکترای مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد

مقدمه

خانواده به‌عنوان واحدی اجتماعی دارای بیشترین و عمیق‌ترین مناسبات انسانی است. علاوه بر اینکه، منبع اولیه نیازهای اساسی فرد محسوب می‌شود، موقعیت‌های متعددی را برای یادگیری و شکل‌گیری نگرش‌ها و تشکیل باورهای فرد فراهم می‌آورد. خانواده در کنار مسئولیت آموزشی و تربیتی، در رفع نیازهای جسمانی، روانی و انتقال ارزش‌های اجتماعی نقش بسیار مؤثری دارد. فرد در بستر خانواده خواست‌های جامعه را می‌آموزد و این شناخت او را به‌گزینه‌های رفتارهای معین رهنمون می‌سازد (مصلحی، ۱۳۹۱: ۲۳).

متخصصان روان‌شناسی خانواده غالباً معیار خود را در بررسی کیفیت روابط زناشویی زوجین، سطح رضایت زناشویی آنها قرار می‌دهند. رضایت زناشویی، یکی از مهم‌ترین عوامل پیشرفت و دستیابی به اهداف زندگی است که تحت تأثیر عوامل بیرونی و درونی می‌باشد. علی‌رغم آنکه ضرورت توجه به همسانی عقاید مذهبی و تمایلات فرهنگی همواره مورد تأکید قرار می‌گیرد، افزایش طلاق در دنیای کنونی و نارضایتی زوجین از زندگی مشترک و تأثیرات سوء این‌گونه پدیده‌ها بر افراد خانواده و اجتماع، بیانگر این مدعاست که برخورد مقبولی با تشکیل خانواده و ازدواج نشده و کمتر با دید عالمانه به این پدیده نگریسته شده است (مصلحی، ۱۳۹۱: ۱۷). گرانر اثر عمل به باورهای دینی و عبادی بر سازگاری زندگی زناشویی را در دو نمونه متشکل از ۲۰۸ زوج، که به‌طور مساوی از چهار گروه دینی انتخاب شده بودند، بررسی کرد. نتایج تحقیق وی نشان داد، ارتباط مثبتی بین اعمال دینی و سازگاری در تمامی گروه‌های دینی وجود دارد (گرانر، ۱۹۸۵: ۳۱).

مولینز^۲ (۲۰۰۱)، طی پژوهشی به بررسی رابطه عمل به باورهای دینی و رضایت زناشویی و شادکامی پرداختند. نتایج نشان داد که دینداری به‌گونه‌ای معنادار با سازگاری زناشویی و شادکامی همسران بستگی دارد. ماهونی و دیگران بعد از بررسی تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که عمل به باورهای دینی موجب افزایش مشارکت کلامی، افزایش

^۱ - Gruner

^۲ - Mullins, et al

میزان شادکامی، کاهش چشمگیر پرخاشگری کلامی و تعارض‌ها و اختلافات زناشویی شده و در نهایت، سبب فزونی رضایت‌مندی زناشویی گردیده است. و از آنجایی که دو نهاد مذهب و خانواده ارزش‌های مشابهی را مورد تأکید قرار می‌دهند، پژوهشگران رابطه نزدیک بین آن دو پیش‌بینی می‌کنند. این جهت‌گیری منجر به این نگرش شده است که مذهب می‌تواند روابط زناشویی را تقویت و استحکام بخشد. مذهب و پایبندی به آن، به‌ویژه در جامعه اسلامی ما از موضوعاتی است که می‌تواند ذهن پژوهشگران را به این موضوع معطوف دارد که آیا رضامندی از زندگی زناشویی در سایه تعالیم الهی و پایبندی به آن چگونه است؟ و آیا پایبندی به مذهب می‌تواند تأثیری در سطح رضایت از زندگی زناشویی داشته باشد یا نه؟

ازدواج مقدمه تشکیل خانواده است. خانواده با پیوند زناشویی شکل می‌گیرد و تداوم و بقای آن نیز به تداوم و بقای پیوند زناشویی وابسته است. علی‌رغم اینکه ازدواج رضایت‌بخش یکی از عوامل مهم بهداشت روانی جامعه محسوب می‌شود، ولی چنانچه ازدواج و زندگی خانوادگی شرایط نامساعدی برای ارضای نیازهای روانی زوجین ایجاد کند، نه تنها بهداشت روانی تحقق نمی‌یابد، بلکه آثار منفی و گاهی جبران‌ناپذیری را به جای می‌گذارد، به طوری که اختلالات عصبی، افسردگی و خودکشی از پیامدهای اختلافات خانوادگی می‌باشند. به اعتقاد ویزمن، شلدون و گورینک بسیاری از اختلافات روان‌پزشکی از جمله اختلالات جسمانی، شناختی، رفتاری و استرس تحت تأثیر آشفتگی زناشویی به وجود می‌آیند (سلیمانیان و دیگران، ۱۳۸۴).

با توجه به پژوهش‌های سایپینگتون، که نارضامندی زناشویی و طلاق موجب بروز اختلال‌های جسمانی و روانی زوجین می‌شود (سایپینگتون، ۱۳۷۹)، همچنین پژوهش کریگهد و نمروف که این نارضامندی زناشویی می‌تواند موجبات بزهکاری فرزندان را فراهم آورد و در نهایت، از جانب خانواده‌های ناسالم، جامعه نیز آسیب خواهد دید (حیدری، ۱۳۸۲)،

همه این امور انسان را به چاره‌جویی واداشته تا در پی جست‌وجوی مؤلفه‌های رضامندی زناشویی باشد.

برای رضامندی زناشویی تعاریف متعددی شده است. وینچ بر این باور است که رضایت‌مندی زوجی انطباق بین وضعیت موجود و وضعیت مورد انتظار است؛ یعنی انطباق بین انتظاراتی که فرد از زندگی زناشویی دارد و آنچه در زندگی خود تجربه می‌کند (فاضل و دیگران، ۱۳۹۰).

هاوکینز و وینچ (۱۹۷۴) بیان می‌کنند که رضایت زناشویی، یعنی احساسات عینی از خشنودی، رضایت و لذت تجربه‌شده توسط زن یا شوهر، موقعی که همه جنبه‌های ازدواجشان را در نظر می‌گیرند. رضایت زناشویی از انطباق بین وضعیتی که مورد انتظار است و وضعیت موجود فرد در روابط زناشویی حاصل می‌شود، در واقع، نگرش مثبت و لذت‌بخشی است که زن و شوهر از جنبه‌های مختلف روابط زناشویی خود دارند (پورغفاری، ۱۳۸۹).

بنر و هیل (۱۹۹۰) رضامندی زناشویی را پیامد توافق زناشویی دانسته‌اند که رابطه مناسب بین زن و شوهر را توصیف می‌کند. آنها می‌نویسند: «هنگامی که زن و شوهر به میزان قابل توجهی از برآورده شدن نیازها و انتظاراتشان در رابطه زناشویی رضایت داشته باشند، رضامندی زناشویی را گزارش خواهند کرد» (جدیری، ۱۳۸۸). همچنین آلوجا، باریو و گارسیا (۲۰۰۷) می‌نویسند: «رضامندی زناشویی عبارت است از برونداد ناشی از مجموعه‌ای از عوامل مانند حل تعارض موفقیت‌آمیز، یا موفقیت در فعالیت‌های مرتبط با شادکامی در فرایند ازدواج» (همان).

هر موضوعی می‌تواند در روابط زوجین به موضوعی مشکل‌ساز و چالش‌زا تبدیل شود. بنابراین، ارائه فهرستی از موارد مشکل‌آفرین در بین زن و شوهر، نه ممکن و نه لازم است. هرچند، تلاش‌هایی وجود دارد که سعی کرده موضوعات تعارض‌زا در بین زوجین را شناسایی و دسته‌بندی کند. بنابراین، ابعاد و حوزه‌های سازگاری زناشویی به انحاء گوناگون

بیان شده است. اولسون و السون (۱۹۹۷) و فاورز و السون (۱۹۹۳) با جمع بندی و تحلیل تمامی ابعاد مطرح شده به ابعاد «مسائل شخصیتی»، «ارتباط دوتایی»، «حل تعارض»، «مدیریت مالی»، «فعالیت اوقات فراغت»، «رابطه جنسی»، «فرزندپروری»، «ارتباط با اقوام و دوستان» و «جهت گیری مذهبی» دست یافته اند (احمدی و دیگران، ۱۳۸۴).

بر اساس آموزه های دینی، یکی از مهم ترین مسائلی که زمینه آرامش و رضایت از زندگی زناشویی را فراهم می سازد پابندی زوجین به دستورات مذهبی است. خوشبختی زناشویی زمانی تحقق می یابد که زن و شوهر ارتباط خوبی با مبدأ داشته و برای معاد خود نیز کار نیک انجام دهند و پایبند به احکام و دستورات الهی باشند، نه اینکه مسائل زندگی آن قدر آنها را سرگرم کند که از یاد خداوند غافل شوند (منافقون: ۹) و یا به خاطر، خانواده از رعایت وظایف دینی فاصله بگیرند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۸۶). وظیفه زن و شوهر است که همدیگر را از معصیت خداوند برحذر دارند که در این زمینه مرد مسئولیت بیشتری دارد (تحریم: ۶). پابندی یا عدم پابندی به دستورات الهی توسط آن دو، زمینه را برای رضامندی و یا نارضامندی زندگی زناشویی فراهم می آورد.

زندگی بدون تعارض، در سایه توجه به مسایل معنوی و پرورش اعتقادات مذهبی است. ارزش ها به زندگی معنا می بخشند و پناهگاهی در اوج بحرانی زندگی، همانند غم و اندوه و فقدان و ماتم، تلقی می شوند. اعتقادات مذهبی، زیربنایی برای شکل دهی به سبک زندگی مذهبی است. این مسئله موجب می گردد تا فرد مسلمان نسبت به پرورش معنویت در خود و نزدیکانش دارای مسئولیت و نقشی ویژه باشد. بر اساس آموزه های دینی، آن زندگی ای شیرین و گواراست که معنویت در آن رشد یابد و زندگی رنگ خدایی به خود گیرد (خطیب، ۱۳۹۰: ۳۵). امام علی (ع) می فرماید: خداوند متعال در حدیث معراج به پیامبر اکرم (ص) فرمود: «آیا می دانی کدام زندگی گوارتر است؟» حضرت فرمودند: «بار خدایا! نه». فرمود: «زندگی گوارا، آن زندگی ای است که صاحب آن، از یاد من خسته نشود،

نعمت مرا فراموش نکند، به حق من ناآگاه نباشد و در طلب خشنودی من باشد» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۷: ۲۸).

مهوری در مقاله‌ای که به تبیین دین، دینداری و شاخص‌های آن از نگاه علامه طباطبایی می‌پردازد، دربارهٔ حد نصاب دینداری اظهار می‌دارد: دینداری، همان ایمان و اعتقاد قلبی همراه با اعمال شایسته و نیکوست و لازمهٔ ایمان، علم و آگاهی است (سالاری‌فر و دیگران، ۱۳۹۰). بنابراین، علم تنها بدون التزام و دلبستگی و اینکه عملی به دنبال داشته باشد، دینداری نیست. همچنین اعتقاد بدون عمل نیز دینداری نیست و شخص معتقدی را که عملی به جا نیاورد، نمی‌توان دیندار به‌شمار آورد، بلکه از نظر علامه طباطبائی، اعتقادی که همراه عمل نباشد، در حقیقت اعتقاد و ایمان نیست و تنها علم و آگاهی به حقانیت دین است. عمل تنها نیز ایمان و دینداری به‌شمار نمی‌آید؛ چراکه اعمال ظاهری با نفاق و دورویی قابل جمع است. منافق کسی است که اعمال ظاهری را انجام می‌دهد و چه‌بسا از حقانیت اعتقادات اسلام نیز آگاه بوده و حقیقت برایش روشن شده باشد، ولی از آنجاکه دلبستگی و التزام به آن ندارد، نمی‌توان او را دیندار به‌شمار آورد. خلاصه اینکه، با توجه به مراتب و درجاتی که برای اسلام و ایمان وجود دارد، نخستین مرتبه ایمان را باید حد نصاب دینداری برای فرد و جامعه به‌شمار آورد و آن اعتقاد اجمالی همراه با انجام بیشتر احکام اسلام است (همان، ۴۲۳).

رسول اکرم (ص) می‌فرماید: زن را برای زیبایی‌اش به همسری نگیر، چه‌بسا ممکن است جمال زن باعث پستی و سقوط اخلاقی‌اش شود. همچنین به انگیزهٔ مالش با وی پیوند زناشویی برقرار مکن؛ زیرا مال می‌تواند مایهٔ طغیان او گردد، بلکه به سرمایه دینش متوجه باش و با زن با ایمان ازدواج کن (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۸۵). در حدیثی دیگر از امام باقر (ع) نقل شده است که رسول خدا (ص) فرمود: «هرگاه کسی که از اخلاق و دین او راضی هستی نزد شما آمد، به او همسر دهید. اگر چنین نکنید روی زمین فتنه و فساد بزرگی به وقوع خواهد پیوست» (صابری یزدی، ۱۳۷۵: ۴۳۱). در قرآن کریم نیز آمده

است که مرد مؤمن با زن مؤمن ازدواج کند (بقره: ۲۲۱). نتایج تحقیقات نیز یکسان بودن زوجین در اعتقادات مذهبی و ایمان و تقوی را به عنوان عوامل مؤثر در موفقیت ازدواج‌ها ثابت کرده‌اند (احمدی و دیگران، ۱۳۸۵).

توجه به این مفاهیم و ملاحظه نتایج پژوهش‌های انجام شده، نقش تقیدات مذهبی را در رضایت و سازگاری زناشویی مورد تأیید قرار می‌دهد؛ تقیداتی که در این پژوهش‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند عبارتند از: اقامه نماز، روزه، تلاوت قرآن، اهتمام به نماز، شرکت در نماز جماعت و جمعه، انجام امر به معروف و نهی از منکر، انجام واجبات دینی از روی علاقه، نوع پوشش، گرایش به مد روز، رعایت حد در پوشش، ارتباط با نامحرم، توجه به مادیات، اعتقاد به پول به عنوان حلال همه مشکلات، اعتماد به مذهب به عنوان کلید خوشبختی، میزان توکل به خدا برای حل مشکلات زندگی. بی تردید انسان‌های خداشناس و دین‌باور و کسانی که از احکام و شریعت اسلام پیروی می‌کنند، ملاک تدین را به عنوان یکی از معیارهای اصلی در انتخاب برای ازدواج مورد توجه قرار می‌دهند؛ پوشش، حجاب و نگاه خود را محافظت می‌کنند (سه عاملی که زمینه انحرافات اخلاقی هستند)؛ همسر خود را به عنوان بنده خدا قبول داشته و از ظلم و ستم بر او پرهیز می‌کنند. در روابط خود با همسر، ضمن رعایت اصول بهداشتی با صداقت، عطف و مهربانی رفتار می‌کنند و تمام رفتار و کردارشان حتی روابط جنسی با همسر جهت گیری الهی دارد. بنابراین، می‌توان انتظار داشت که رضایت زناشویی متأثر از میزان تقیدات مذهبی افراد باشد. از این رو، احمدی و همکاران در پژوهشی نشان دادند که تقیدات مذهبی در میزان سازگاری زناشویی نقش دارد. نتایج این پژوهش نشان داد افرادی که دارای تقیدات مذهبی بسیار زیاد بودند نسبت به افرادی که تقیدات مذهبی‌شان زیاد بود به طور معنی داری سازگاری زناشویی بیشتری داشتند. افرادی که دارای تقیدات مذهبی زیاد بودند، نسبت به افرادی که تقیدات مذهبی آنها متوسط بود، به طور معنی داری از سازگاری زناشویی بیشتری برخوردار بودند. به همین ترتیب، افرادی که دارای تقیدات مذهبی متوسط بودند، نسبت به آنهایی که

تقیدات مذهبی کم داشتند، سازگاری زناشویی بالایی داشتند. بر این اساس، می‌توان میزان پابندی مذهبی و رشد معنوی افراد را به‌عنوان عامل مهم در میزان سازگاری و رضایت زناشویی معرفی کرد (همان).

بدیهی است که هر چه زن و شوهر از یکدیگر رضایتمندی بیشتری داشته تمایل بیشتری برای زندگی مشترک با هم خواهند داشت و این امر باعث تداوم و استحکام خانواده خواهد شد. بنابراین انجام پژوهشهایی پیرامون شناسایی موارد تأثیرگذار بر رضایت زناشویی ضروری به نظر می‌رسد.

جورج و همکاران^۱ (۲۰۰۰)، در پژوهش خود دریافتند که بین معنویت و هدف زندگی، رضایت از زندگی همبستگی وجود دارد. و اینکه مولفه هوش معنوی در پیش‌بینی مولفه‌های پذیرش خود و تسلط محیطی، رشد شخصی و استقلال ارتباط با دیگران سهم معناداری را نشان می‌دهد (به نقل از ابراهیمی، ۱۳۸۹).

طی پژوهشی که مولینزو^۲ همکاران (۲۰۰۱) به بررسی رابطه عمل به باورهای دینی و رضایت زناشویی و شادکامی پرداختند نتایج نشان داد که دینداری به گونه‌ای معنادار با سازگاری زناشویی و شادکامی همسران بستگی دارد.

سیاروچی^۳ و همکاران (۲۰۰۱) نیز نشان دادند که افراد که روابط نزدیک و محبت‌آمیزتر را از خود نشان می‌دهند و رضایت زناشویی بیشتری را در زندگی خود تجربه می‌کنند. (به نقل از سلیمانیان و محمدی، ۱۳۸۸).

ماهونی^۴ و دیگران (۲۰۰۲)، بعد از بررسی تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که عمل به باورهای دینی و موجب افزایش مشارکت کلامی، افزایش میزان شادکامی، کاهش چشمگیر پرخاشگری کلامی و تعارض و اختلافات زناشویی شده و در نهایت سبب فزونی رضایتمندی زناشویی گردیده است (به نقل از روحانی و معنوی پور، ۱۳۸۷).

1 - Gorge

2 - Mulins

3 - Siarochy

4 - Mahoony

دالاس و مارش^۱ (۲۰۰۲) با بررسی نقش دین و تجانس مذهبی در بین زوجین به این نتیجه رسیدند که مذهب نقش مهمی در رضایت زناشویی دارد (به نقل از مطلب زاده، ۱۳۸۶).

بارتلت^۲ و همکاران (۲۰۰۳) طی تحقیقی به این نتیجه رسیدند که معنویت می تواند به پیشرفت، سازگاری و انعطاف پذیری هیجانی افراد از طریق تجربه احساسات مثبت و با توجه به موارد مثبت) در زندگی کمک کند (به نقل از هادی تبار و همکاران، ۱۳۸۹)

کیم^۳ و دیگران (۲۰۰۴)، طی پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که عمل به باور دینی با هیجانان و عواطف مثبت مانند خوش خلقی، شادکامی، مهربانی، اعتماد به نفس، توجه و آرامش با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارد.

طی تحقیقی که مک نلتی^۴ و دیگران (۲۰۰۴) انجام دادند نشان داده شده است که دین تاثیر قابل توجهی در سازگاری زناشویی دارد.

شرکات^۵ (۲۰۰۴) بعد از انجام تحقیقات خود به این نتیجه دست یافت که اختلافات دینی اعضا خانواده موجب بروز مشکلات برای ادامه زندگی زناشویی می شود که این مساله خود منجر به کاهش رضایتمندی و افزایش تعارضات و اختلافات زناشویی و نیز طلاق می گردد. دنوان (۲۰۰۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که هنگامی که همسران به رابطه خود جنبه مقدس می دهند، رضایت زناشویی بالاتر و تعارضات کمتری دارند و بهتر می توانند مشکلات خود را حل و فصل کنند؛ با توجه به پیشینه و مطالب بیان شده هدف اصلی این مقاله پاسخ به این سوال است که آیا بین مولفه جهت گیری مذهبی با رضایت زناشویی در دبیران زن متاهل شهر شیروان رابطه معناداری برقرار است و یا خیر؟

1 - Dullos & Marsh

2 - Bartelet

3 - Kim

4 - McNulty

5 - Sherkat

۱-۳. روش

این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی است. که در آن رابطه بین دو متغیر جهت گیری مذهبی و رضایت زناشویی سنجیده می‌شود. جامعه آماری این پژوهش عبارت است از کلیه دبیران زن مقطع متوسطه دوم شهر شیروان که در سال تحصیلی ۹۵-۳۹۴ نفر مشغول به کار بوده‌اند. حجم نمونه در این پژوهش ۱۶۰ نفر می‌باشد و روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده می‌باشد؛ در این پژوهش به منظور جمع‌آوری داده‌ها افراد از دو پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی آلپورت و رضایت زناشویی انریچ استفاده شده است اعضای نمونه پس از دریافت پرسش‌نامه‌ها و راهنمایی‌های لازم درباره نمره پاسخگویی به سوالات آزمون به پرسشنامه‌ها در پاسخ دادند:

الف) پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی آلپورت

آلپورت و راس در سال ۱۹۵۰ این مقیاس را برای سنجش جهت‌گیری‌های درونی و بیرونی مذهب تهیه کردند و بر اساس نظریه آلپورت مذهب درونی، مذهبی فراگیر و دارای اصل و سازمان یافته و درونی شده است در حالی که مذهب بیرونی امری است خارجی و ابزاری که برای ارضای نیازهای فردی از قبیل مقام و امنیت مورد استفاده قرار می‌گیرد. منظور آلپورت از جهت‌گیری مذهبی درونی عبارت است از یک تعهد انگیزشی فراگیر که غایت و هدف است نه وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف فردی (بزرگی، ۱۳۸۶) در مطالعات اولیه‌ای که بر این مبنا صورت گرفت مشاهده شد که همبستگی جهت‌گیری بیرونی با درونی ۰/۲ است (مختاری و همکاران، ۱۳۸۰) و نمره گذاری آن بر مبنای لیکرت است که دامنه‌ی آن از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف است و به پاسخ‌ها نمره ۵ تا ۱ تعلق می‌گیرد.

جدول ۱. مقدار ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی

تعداد سوالات	ضریب آلفای کرونباخ
۴۴	۰/۸۱

ب) پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ

این پرسشنامه توسط آلسون و همکارانش (۱۹۸۹) تهیه شده است. فرم اصلی این پرسشنامه دارای ۱۱۵ سوال و ۱۲ خرده مقیاس است. سلیمان نژاد (۱۳۷۳)، در پژوهش خود با عنوان «بررسی تفکر غیرمنطقی در نارضایتی زناشویی» درباره روایی و اعتبار این پرسشنامه اظهار می‌دارد که برای استفاده پرسشنامه در تحقیق ابتدا پرسشنامه ترجمه گردید. در مرحله بعد پرسشنامه روی گروه ۱۱ نفری اجرا گردید و ضریب اعتبار آن از طریق ضریب آلفا محاسبه شد که عدد ۰/۹۳ بدست آمد. با توجه به زیاد بودن سوالهای پرسشنامه (۱۱۵ سوال) که موجب خستگی آزمودنی‌ها می‌شد. تصمیم گرفته شد فرم کوتاهی تهیه شود. برای این منظور ابتدا همبستگی هر یک از سوالات با کل پرسشنامه از طریق ضریب همبستگی محاسبه گردید. سپس ۴۷ سوال که از همبستگی بالایی برخوردار بودند انتخاب شدند. و مجدداً ضریب اعتبار فرم ۴۷ سوالی بر روی یک گروه ۱۱ نفری با استفاده از ضریب آلفا محاسبه گردید که ضریب آلفا ۰/۹۵ بدست آمد. پرسشنامه به صورت پنج گزینه ای (که در اصل یک نگرش سنج از نوع لیکرت است) در نظر گرفته شده است که به هر گزینه آن از یک تا پنج امتیاز داده می‌شود.

این پرسشنامه شامل ۹ مؤلفه می‌باشد که شامل موضوعات شخصیتی (سوالهای ۲-۴-۴۰-۲۲-۱۲)، ارتباط زناشویی (سوالهای ۶-۱۳-۲۳-۳۲-۴۱)، حل تعارض (سوالهای ۷-۴۲-۳۳-۲۴-۱۴)، مدیریت مالی (سوالهای ۸-۱۵-۱۶-۲۵-۳۴)، فعالیت های اوقات فراغت (سوال های ۹-۱۷-۲۶-۳۵-۴۳)، روابط جنسی (سوالهای ۱۰-۱۸-۲۷-۳۶-۴۴)، ازدواج و فرزندان (سوالهای ۱۱-۱۹-۲۸-۳۷-۴۵)، اقوام و دوستان (سوالهای ۲۰-۲۹-۳۱-۳۸-۴۶)، جهت گیری مذهبی (سوالهای ۵-۲۱-۳۰-۳۹-۴۷) می‌باشد.

- | | |
|---------------------------------|---------------------------|
| نمره ۱: نشانگر نارضایتی شدید | نمره ۲: نشانگر عدم رضایت |
| نمره ۳: نشانگر رضایت متوسط | نمره ۴: نشانگر رضایت زیاد |
| نمره ۵: نشانگر رضایت فوق العاده | |

۶-۳. روش اجرا

پس از کسب مجوزهای لازم از آموزش و پرورش، پرسشنامه‌ها در اختیار دبیران زن قرار گرفت و توضیحات لازم در مورد پرسشنامه‌ها به آنها داده شد و پس از تکمیل پرسشنامه‌ها جمع‌آوری و تحلیل شد. در این پژوهش جهت پاسخگویی به فرضیه پژوهشی از روش همبستگی پیرسون و آزمون تحلیل واریانس یک راه استفاده شده است. در ادامه هر یک از فرضیات پژوهشی به همراه نتایج بدست آمده ارائه شده است.

یافته‌ها

فرضیه اصلی: بین رضایت زناشویی و جهت‌گیری مذهبی رابطه وجود دارد.
جهت بررسی رابطه بین رضایت زناشویی و جهت‌گیری مذهبی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۲. مربوط به نتایج همبستگی پیرسون بین متغیرهای رضایت زناشویی و جهت‌گیری مذهبی معلمان متأهل زن

رضایت زناشویی	جهت‌گیری مذهبی
۱	*-۰,۳۲
*-۰,۳۲	۱

همانگونه که نتایج جدول فوق نشان می‌دهد بین رضایت زناشویی و جهت‌گیری مذهبی رابطه منفی وجود دارد و با توجه به اینکه افزایش نمره فرد در پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی به معنی کاهش جهت‌گیری مذهبی درونی و افزایش جهت‌گیری مذهبی بیرونی نسبت به دین و مذهب می‌باشد می‌توان پذیرفت که هر چه افراد از جهت‌گیری مذهبی درونی تری برخوردار باشند میزان رضایت زناشویی آنها بالاتر می‌باشد و بر این اساس می‌توان ادعا کرد که مذهب به عنوان یک عامل موثر در رضایت زناشویی می‌تواند باعث افزایش رضایت زناشویی شود (افزایش و یا کاهش نمره جهت‌گیری مذهبی به

معنای زیاد شدن یا کم شدن نمره فرد نیست بلکه به معنای درونی و یا بیرونی بودن نوع مذهب فرد می باشد).

فرضیه فرعی اول: بین رضایت زناشویی زنان متاهل به لحاظ مدرک تحصیلی تفاوت وجود دارد.

با توجه به اینکه زنان متاهل به لحاظ مدرک تحصیلی بیش از دو گروه می باشند (سه گروه، با مدرک کاردانی، با مدرک کارشناسی و با مدرک کارشناسی ارشد) لازم است تا جهت مقایسه میانگین گروههای مورد نظر از آزمون تحلیل واریانس یک راهه استفاده شود.

جدول ۳. نتایج مربوط به تحلیل واریانس یک راهه جهت تعیین تفاوت بین معلمان متاهل زن با مدرک کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد در رضایت زناشویی

Sig	F	میانگین مجدورات	درجه آزادی	مجموع مجدورات	رضایت زناشویی
۰,۹۲۰	۰,۰۸۴	۶۸,۸۵	۲	۱۳۷,۷۱	بین گروهی
		۸۲۳,۳۱	۱۵۷	۳۸۶۹۵,۵۶	درون گروهی
			۱۵۹	۳۸۸۳۳,۲۸	کل

با توجه به نتایج جدول فوق و با توجه به اینکه میزان معناداری بالاتر از ۰,۰۵ می باشد می توان نتیجه گرفت که هیچ تفاوت معنی داری بین معلمان متاهل زن با مدرک کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد در رضایت زناشویی وجود ندارد. بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم وجود تفاوت گروهی تایید و فرض پژوهشی رد می شود.

فرضیه فرعی دوم: بین جهت گیری مذهبی معلمان متاهل زن به لحاظ مدرک تحصیلی تفاوت وجود دارد.

با توجه به اینکه زنان متاهل به لحاظ مدرک تحصیلی بیش از دو گروه می باشند (سه گروه، با مدرک کاردانی، با مدرک کارشناسی و با مدرک کارشناسی ارشد) لازم است تا

جهت مقایسه میانگین گروه‌های مورد نظر از آزمون تحلیل واریانس یک راهه استفاده شود.

جدول ۴. نتایج مربوط به تحلیل واریانس یک راهه جهت تعیین تفاوت بین معلمان متاهل زن با مدرک کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد در جهت

گیری مذهبی

جهت گیری مذهبی	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	Sig
بین گروهی	۴۰,۱۲	۲	۲۰,۰۶	۰,۳۳۳	۰,۷۱۹
درون گروهی	۲۸۳۲,۸۶	۱۵۷	۶۰,۲۷		
کل	۲۸۷۲,۹۸	۱۵۹			

با توجه به نتایج جدول فوق و با توجه به اینکه میزان معناداری بالاتر از ۰,۰۵ می باشد می توان نتیجه گرفت که هیچ تفاوت معنی داری بین معلمان متاهل زن با مدرک کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد در جهت گیری مذهبی وجود ندارد. بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم وجود تفاوت گروهی تایید و فرض پژوهشی رد می شود.

بحث و جمع بندی

فرضیه اصلی بین رضایت زناشویی و جهت گیری مذهبی رابطه وجود دارد.

با توجه به نتایج داده ها، بین رضایت زناشویی و جهت گیری مذهبی رابطه منفی وجود دارد و با توجه به اینکه افزایش نمره فرد در پرسشنامه جهت گیری مذهبی به معنی کاهش جهت گیری درونی و افزایش جهت گیری بیرونی نسبت به مذهب می باشد می توان پذیرفت که هر چه افراد از جهت گیری مذهبی درونی تری برخوردار باشند میزان رضایت زناشویی آنها بالاتر می باشد و بر این اساس می توان ادعا کرد که مذهب به عنوان یک عامل موثر در رضایت زناشویی می تواند باعث افزایش رضایت زناشویی شود. این پژوهش با تحقیق حیدری (۱۳۸۲) تحت عنوان بررسی رابطه جهت گیری مذهبی و رضامندی از

زندگی زناشویی در خانواده های معلمان مرد همخوانی دارد وی در این پژوهش نشان داد که هوش معنوی پیش بینی کننده خوبی برای رضایت زناشویی است. این یافته با تحقیق هانت و کینگ (۱۹۷۸)، اسپرواسکی و هاگستون (۱۹۷۸)، دادلی و کوسینسکی (۱۹۹۰)، راینسون و بلانتون (۱۹۹۳)، مارش و دالاس (۲۰۰۲)، نیز همسو است و آن را تأیید می کند. (به نقل از عطاری و همکاران، ۱۳۸۵).

با نگاه به یافته های پژوهش و نتایج قبلی که نقش جهت گیری مذهبی را در افزایش رضایت زناشویی تأیید کرده اند می توان جهت گیری مذهبی را به عنوان زیر بنای باورهای فرد که نقش اساسی در زمینه های گوناگون به ویژه تامین سلامت روانی دارد دانست. معنویت بستری تدارک می بیند که سازه رضایت در زندگی مشترک تحت حمایت آن به پیش می رود (به نقل از محقق، ۱۳۹۰). رضایت می تواند هم پیوند با معنویت باشد و کسانی که تعهدات دینی بالاتری دارند در پذیرش سلیقه های همسر، ارتباط با همسر، توانایی حل تعارض، مدیریت مالی خانواده، روابط جنسی با همسر و جهت گیری مذهبی با همسرانشان سازگاری دارند (سلیمانیان، ۱۳۷۳). سامانه باورهای معنوی و دینی به افراد امکان می دهد که به ناملایمات، فشارهای روانی و فقدانهای گریز ناپذیر که در روند چرخه زندگی رخ می دهد معنا دهند و به یک زندگی بعدی (اخروی) که در آن این گونه دشواری ها وجود ندارد امیدوار باشند به اعتقاد کینگ راهبردهای مقابله ای و تکنیکهای حل مشکل با استفاده از معنویت در واقع کاربردهای سازگارانه هوش معنوی می باشند (به نقل از اکبری زاده و همکاران، ۱۳۹۰).

فرضیه فرعی اول: بین رضایت زناشویی زنان متاهل به لحاظ مدرک تحصیلی تفاوت وجود دارد.

با توجه به نتایج جدول و با توجه به اینکه میزان معناداری بالاتر از ۰,۰۵ می باشد می توان نتیجه گرفت که هیچ تفاوت معنی داری بین معلمان متاهل زن با مدرک کاردانی،

کارشناسی و کارشناسی ارشد در رضایت زناشویی وجود ندارد. بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم وجود تفاوت گروهی تایید و فرض پژوهشی رد می‌شود؛ همواره سطح تحصیلات و سطح سواد افراد به عنوان یکی از مؤلفه‌های توسعه و تغییر و تحولات فردی و اجتماعی مورد نظر بوده است. به همین منظور توجه به این عامل، نقش آن در سلامت فردی و اجتماعی و نیز نقش آن در رضایت از روابط جنسی و رضایت زناشویی قابل توجه است. اهمیت این موضوع هنگامی بیشتر مشخص می‌شود که پژوهشهای پیشین به عنوان مثال بنی جمالی و محمدزاده (۱۳۸۴)؛ قدیری و شکاری (۱۳۸۶) به نوعی بر رابطه این عامل با میزان رضایت زناشویی تأکید کرده‌اند. با این حال در پژوهش حاضر، فرضیه مربوط به رابطه رضایت زناشویی با میزان تحصیلات پس از تجزیه و تحلیل آماری رد شد که متناقض با پژوهشهای پیشین است. به نظر می‌رسد دلیل رد فرضیه این باشد که صرفاً توجه به میزان تحصیلات نمی‌تواند نشاندهنده بالا رفتن سطح فرهنگ و عاملی برای سازگاری در رابطه زناشویی تلقی شود. حتی گاهی با بالا رفتن سطح سواد افراد، توقعات آنها نیز بالاتر می‌رود که این خود عاملی مضر در روابط زناشویی به حساب می‌آید. تحقیقی که با این یافته همخوانی داشته باشد، یافت نشد.

فرضیه فرعی دوم بین جهت گیری مذهبی معلمان متاهل زن به لحاظ مدرک تحصیلی تفاوت وجود دارد.

با توجه به نتایج جدول و با توجه به اینکه میزان معناداری بالاتر از ۰,۰۵ می‌باشد می‌توان نتیجه گرفت که هیچ تفاوت معنی داری بین معلمان متاهل زن با مدرک کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد در جهت گیری مذهبی وجود ندارد. بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم وجود تفاوت گروهی تایید و فرض پژوهشی رد می‌شود تحقیقی که با این یافته همخوانی داشته باشد، یافت نشد. همچنین همواره بین ارتباط عوامل فردی (جمعیت

شناختی) با متغیر جهت گیری مذهبی در پژوهشهای گوناگون نتایج متفاوتی را با توجه به جامعه و نمونه خاص آن تحقیق به همراه داشته است.

پیشنهادات کاربردی

- از آنجایی که رضایت زناشویی ابعاد مختلفی از جمله نحوه روابط زوجین را در بر می گیرد لذا توصیه می شود جهت ارتقای سلامت روان و از طرفی ارتقای سطح رضایت زناشویی برنامه هایی مبتنی بر بهسازی روابط که در آن سعی می شود مهارتهایی که روابط سالم را تقویت می کند آموزش دهند.
- مشاوران در مراکز مشاوره، با توجه به رابطه مثبت و معنادار دین با رضایت زناشویی به افزایش عقاید دینی و مذهبی زنان و مردان توجه کنند.
- ایجاد کارگاه های آموزش کنترل احساسات و هیجانات در خود و در رابطه با دیگران

منابع

- ۱) ابراهیمی، س.، (۱۳۸۹). **سبک‌های دل‌بستگی به خدا، هوش معنوی و بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- ۲) احمدی، خدابخش و دیگران، «بررسی رابطه تقیدات مذهبی و سازگاری زناشویی» (۱۳۸۵)، **خانواده‌پژوهی**، سال دوم، ش ۵، ص ۵۵-۶۷.
- ۳) احمدی، خدابخش و دیگران، «بررسی وضعیت ازدواج و سازگاری زناشویی در بین کارکنان سپاه» (۱۳۸۴)، **طب نظامی**، ش ۷، ص ۱۴۱-۱۵۲.
- ۴) اسرار، ص.، (۱۳۸۳). **بررسی اعتبار و روایی پرسشنامه رضایت مندی زناشویی انریچ در گروهی از متاهلین دارای مشکل زوجی و بدون مشکل زوجی**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد ارسنجان.
- ۵) اسلامی، الف.، (۱۳۷۶). **بررسی نگرش فرد نسبت به مذهبی بودن، رابطه آن با افسردگی در دانش‌آموزان سال آخر اسلام شهر**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی.
- ۶) افروز، غ.، (۱۳۷۸). **روان‌شناسی خانواده، همسران برتر**. تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- ۷) اکبری، الف.، (۱۳۸۱). **مشکلات نوجوانی و جوانی**. تهران، نشر ساوالان.
- ۸) ایازی، م.، ع.، (۱۳۷۴). **اسلام و تنظیم خانواده**. تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۹) آذر، م.، اردلان، گ.، ساداتیان، الف.، (۱۳۸۹). **پرورش، تربیت و مراقبت از کودکان و نوجوانان**. تهران، ما و شما.
- ۱۰) آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۰). **آزمون جهت‌گیری مذهبی اسلامی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه**.
- ۱۱) آرین، خ.، (۱۳۸۰). **رابطه دین‌داری و روان‌درستی**. تهران، **اولین همایش نقش دین در بهداشت روان**.

- ۱۲) بخشی پور، ع.، و دژکام، م.، (۱۳۸۴). تحلیل عاملی تاییدی مقیاس عاطفه مثبت و منفی. **مجله روانشناسی** ۳۶. سال نهم. شماره ۴ صص ۳۵۱-۳۶۵.
- ۱۳) بهرامی احسان، ه.، (۱۳۸۰). بررسی مقدماتی میزان اعتبار و قابلیت اعتماد مقیاس جهت گیری مذهبی. **مجله روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران**. سال ششم. شماره ۱.
- ۱۴) پسندیده، ع.، (۱۳۸۴). **رضایت از زندگی**. قم، دارالحدیث.
- ۱۵) پورغفاری، سیده سوگل و دیگران، «بررسی اثربخشی آموزش مؤلفه‌های سبک زندگی مبتنی بر رویکرد روان‌شناسی فردی بر رضایت زناشویی در بین پرستاران متأهل زن بیمارستان دکتر گنجویان دزفول» (۱۳۸۹)، **یافته‌های نو در روان‌شناسی**، سال چهارم، ش ۱۲، صص ۲۷-۴۸.
- ۱۶) ترکان، ه.، کلاتری، م.، موسوی، ح.، (۱۳۸۵). بررسی اثر بخشی گروه درمانی به شیوه تحلیل تبادلی بر رضایت زناشویی. **فصلنامه خانواده پژوهی**. سال دوم. شماره ۸ صص ۳۸۴.
- ۱۷) جهانیان خامنه، م.، (۱۳۸۱). **بررسی رابطه هوش هیجانی و رضایت زناشویی در معلمان زن دوره راهنمایی شهر تهران**. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۸) حسن آبادی، م.، (۱۳۸۵). **بررسی میزان اثر بخشی گروه درمانی معنوی- مذهبی در افزایش عزت نفس زندانیان مرد زندان مرکزی مشهد**. رساله دکتری. دانشگاه تربیت معلم تهران.
- ۱۹) ذوالفقاری، د.، و تبریزی، س.، (۱۳۹۰). مقایسه کیفی و کمی رضایت زناشویی در زنان شاغل با تاکید بر همسانی و عدم همسانی منزلت شغلی زوجین. **فصلنامه خانواده پژوهی**. سال هفتم، شماره ۲۸.
- ۲۰) رحیمی یگانه، ز.، (۱۳۸۸). **خانواده شاد و با نشاط**. اصفهان، حدیث راه عشق.
- ۲۱) رسول زاده طباطبایی، رسول، (۱۳۷۷). **خانواده و نقش تربیتی آن**. تهران، فردوس.
- ۲۲) سایینگتون، اندروا (۱۳۷۹)، **بهداشت روانی**، ترجمه حمیدرضا حسین شاهی برواتی، تهران، روان.
- ۲۳) سالاری فر، م.، (۱۳۹۰). **درآمدی بر نظام خانواده در اسلام**. قم، نشر هاجر.

۲۴) سالاری فر، م.، آذربایجانی، م.، رحیمی نژاد، ع.، (۱۳۸۴). مبانی نظری مقیاس‌های دینی، **گزیده مقالات همایش مبانی نظری و روان سنجی مقیاس دینی**. تهران، حوزه و دانشگاه.

۲۵) صادق پور، ع.، (۱۳۷۶). **روانشناسی دوران نوجوانی و جوانی**. تهران، نور دانش.

۲۶) صالحی، م.، (۱۳۸۸). **تاثیر آموزش پیش از ازدواج بر انتظارات و نگرش‌های زناشویی دانشجویان خوابگاه آزاد دانشگاه آزاد خوراسگان**. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

۲۷) عبدالله زاده، ح.، باقر پور، م.، بوژمهرانی، س.، لطفی، م.، (۱۳۸۸). **هوش معنوی**. تهران، روان سنجی .

۲۸) عرب خانی، ع.، (۱۳۸۹). **بررسی هوش معنوی بر شوخ طبعی مقابله های دینی**. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت جام.

- 29) Adams - G.A. and Bennion.L.& Kwisun Huh - (۱۹۸۹)- Objective Measure of Ego Identity Status: A Reference Manual - university of Guelph, Guelph, Ontario N ۱G ۲W ۱
- 30) Beck, Richard, (2006),” God as a secure base: attachment to God and theological exploration”, Journal of Psychology and Theology, Vo 1, 34, No. 2, p. 125- 132.
- 31) Bergin, A.E. (1999). Psychotherapy and Religious values. Gournal; of consulting and clinical psychology. 48(1) 95-105.
- 32) Bradbery, T.N. Fincham, F.D. Beach, S.R, (2000), Research on the nature and determinants of marital satisfaction:A decade in review. Journal of Marriage and Family, v62, p. 967.
- 33) Gorsuch R.L (۱۹۸۸) Psychology of Religion - Annual Reviews of Psycholog. ۱۹۸۸. ۳۹:۲۰۱-۲۱
- 34) Halford, Kw. The cross- cultural consistency of marital communication associated with marital distress. J marriage fam 1990; 25: 487-500.
- 35) Kim, Y.M. Others, (2004), Spirituality and affect: a function of changes in religious affiliation. Personality and Individual Differences, V 37(4).
- 36) Levin, J.s.charters, L.M. Taylor, R.J (1995). Relious effects on health status and life satisfaction among black American. journal of Gerontojegy (social sciences) 50 B: s154-163.

- 37) McNulty, K. & Others. (2004). Perceived: uncertainty, spiritual well-being and psychological adaptation in individuals with multiple sclerosis. Journal of family psychology, vol 13, issue 3-17.
- 38) McNulty, K. Others, (2004), Perceived Uncertainty, Spiritual Well-Being, and Psychosocial Adaptation in Individuals With Multiple Sclerosis. Rehabilitation Psychology, V 49(2), p. 91- 99.
- 39) Mulins, L.C. proett, D. Breakett, K. & Harisson, D. (2001). Marital adjustment and religiosity: A comparison of those under age 65 with those age and older. Journal of social science research. Vol2, issue1.
- 40) Mullins, L.C., et al, (2001), Marital adjustment and religiosity: A comparison of those under age 65 with those age and older. Journal of Social Science Research, v 2, issue 1, p. 68.
- 41) Pollner, M. (1989). Divine relations. Social relations. And well-being. Jurnal of Health and social Behavior. 30, 92-104.

